

بازتاب تاریخ در دیوان لغات الترک محمود کاشغری^۱،^۲

سید مهدی جوادی

دانش‌آموخته دکتری دانشگاه آزاد اسلامی

واحد علوم و تحقیقات

JavadiM@yahoo.com

چکیده

دیوان کاشغری، گرچه بیشتر در زمینه زبان و ادبیات ترکی به رشته تحریر درآمده است، لکن مقدمه نسبتاً طولانی آن در تاریخ ترک و گویش‌های ترکی و نیز اطلاعات قابل توجه در تاریخ سیاسی، ادبی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیای تاریخی و اصطلاحات دیوانی در سده‌های چهارم و پنجم هجری، که مؤلف خود از افراد دخیل در سازمان‌های حکومتی بوده است، این اثر را در ردیف منابع مهم خاصه در زمینه‌های تاریخی و جغرافیایی و تشکیلات اداری این عصر قرار داده است. از سوی دیگر وجود برخی اطلاعات کم‌نظیر و گاهی بی‌نظیر و منحصر به فرد، به ویژه درباره ترکان و آداب و رسوم ساکنان شرق جهان اسلام، از جمله نقشه رنگی مناطق جغرافیایی اقوام و قبایل ترک در جهان، چگونگی پذیرش اسلام از سوی ترکان و نیز اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی قراخانیان، به عنوان نخستین دولت اسلامی ترک، بر ارزش تاریخی آن افزوده است. مقاله حاضر که به بررسی بازتاب تاریخ در دیوان کاشغری پرداخته، در صدد نشان دادن اهمیت این اثر، در موضوعات مختلف تاریخی است.

کلیدواژه‌ها: کاشغری، دیوان لغات الترک، ترکان، ادبیات ترکی، تاریخ و جغرافیای اقوام ترک، نقشه ترکستان.

مقدمه

دیوان لغات الترک از قدیم‌ترین فرهنگنامه‌های ترکی به زبان عربی و یکی از آثار مهم مکتوب

۱. این مقاله بخشی از رساله دکتری نگارنده است که با عنوان «مواد تاریخی در دیوان لغات الترک محمود کاشغری» و به راهنمایی دکتر حسین مفتخری و دکتر مهدی فرهنگی منفرد در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تدوین و دفاع شده است.

۲. تاریخ وصول: ۱۳۸۵/۸/۲۱، تاریخ تصویب: ۱۳۸۵/۱۰/۱۵.

در دوره اسلامی است. این اثر در فاصله ساله‌های ۴۶۴-۴۶۶ ق توسط محمود کاشغری، ادیب، لغوی و از چهره‌های برجسته در زبان ترکی و فرهنگ عامیانه و شفاهی آسیای میانه و از دودمان قراخانیان، برای آموزش زبان و ادبیات ترکی به عرب زبانان، تألیف و به المقتدی بامرالله (۴۶۷-۴۸۷ ق)، خلیفه عباسی، اهداء گردیده است. با این حال نسخه‌ای از این اثر برای نخستین بار در سال ۱۳۲۲ ق کشف و در سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۳۵ ق چاپ شده است.

گرچه از زمان کشف و چاپ دیوان کاشغری، مدت مدیدی سپری نگردیده است، ولی در این زمان نسبتاً کوتاه، گذشته از استنادات پژوهشگران به مطالب این کتاب در آثار پژوهشی خویش، مطالعات بسیاری درباره این کتاب و مؤلف آن، صورت گرفته و ویژگی‌های مهم و در برخی موارد منحصر به فرد آن در زمینه‌های مختلف علمی کشف و در اختیار پژوهش‌گران و علاقمندان قرار گرفته است. تدوین بیش از ۱۶۰ کتاب و مقاله پیرامون موضوعات مختلف در دیوان و نیز ترجمه آن به زبان‌های مختلف و زنده دنیا، تشکیل کنفرانس‌های بین‌المللی و تخصصی در کشورهای مختلف، اختصاص مقالات مستقل به دیوان و مؤلف آن در دایرةالمعارف‌ها و دانشنامه‌ها و فرهنگنامه‌های معروف جهان و نیز استفاده از مطالب این اثر از سوی چهره‌های برجسته علمی و پژوهشی مسلمان و غیرمسلمان، همچون بارتولد، کراچکوفسکی، مینورسکی، پریتساک، اورانسکی، دانکوف، پاکسوی، مصاحب، بروکلمان، زرین کوب، مؤلفان دایرةالمعارف اسلام (EI^2) و ... دلیل روشنی بر جایگاه مهم دیوان در نزد صاحب نظران است و بدون تردید اطلاعات تاریخی قابل توجه این اثر که بخش مهمی از آن را به خود اختصاص داده درخور عنایت و تحقیقی مستقل است. از این رو، این مقاله سعی دارد گزارشی از مواد تاریخی موجود در این کتاب را به دست دهد و جایگاه آن را در مطالعات تاریخی ارزیابی کند.

تاریخ ادبی

دیوان محمود کاشغری مشتمل بر بیش از پنج‌هزار فعل و توضیحات لازم می‌باشد و در واقع بخش اعظم این اثر به افعال اختصاص یافته است.^۱ کاشغری هر یک از کتابهای هشت‌گانه خود را به دو بخش اسماء و افعال تقسیم نموده و اسماء را بر افعال مقدم داشته است. وی انواع حروف و صفات را نیز همانند افعال و اسماء به طور جداگانه و مشروح مورد بررسی قرار داده

۱. کاشغری (عامره)، ۱/۱۸ (ترجمه محمدزاده صدیق)، ۲۷.

است^۱، همچنین در برخی موارد، به چهره‌های معروف در ادبیات و شیوه‌های آنان در این زمینه اشاراتی دارد. چنانکه در چگونگی تقسیم کتاب خود می‌نویسد: «در دلم بود که همانند خلیل [بن احمد فراهیدی] در کتاب «العین» تکواژهای رایج و کاربردی را با لغتن غیرمستعمل و متروک یک جا گرد آورم؛ اما راهی که برگزیده‌ام به صواب نزدیکتر است^۲».

امثله و شواهدی که در دیوان، در توضیح معانی اسماء و افعال و غیره آمده است از گنجینه ادبیات شفاهی ترکی خاقانی به اویغوری دستچین شده است و در میان آنها اشعاری که شامل سوگ‌نامه‌ها، حماسه‌ها، بهاریه‌ها و سخنان حکمت‌آمیز و پندها می‌شود، فراوان به چشم می‌خورد. این نمونه‌های مأخوذ شده از اشعار، در واقع مرحله نوشتاری آغازین ترکی میانه دوره اسلامی (گذر از ترکی باستان به ترکی میانه) در قرن چهارم و پنجم ق را دربر می‌گیرد و مشتمل بر شعرهای پنج هجائی تا پانزده هجائی است^۳.

ضرب‌المثل‌ها، به عنوان نمونه‌هایی از ادبیات عامیانه ترکان در دوره حیات محمود کاشغری، بخش دیگری از دیوان را تشکیل می‌دهد. برخی از صاحب نظران همچون کارل بروکلمان، ضرب‌المثل‌های دیوان را بررسی و تحقیق کرده‌اند. بروکلمان در تحقیق خود ۲۶۴ ضرب‌المثل را احصاء کرده است، در حالی که نجیب عاصم، شمار آنها را به ۲۹۰ رسانده و دبیرسیاقی ظاهراً ۲۸۰ مثل در این کتاب شناسای و گردآوری کرده است^۴. نکته درخور توجه اینکه برخی از این ضرب‌المثل‌ها با تغییراتی تا امروز در میان ترکان آذری و ایرانیان رایج است^۵.

تاریخ سیاسی

چگونگی ورود اسلام به ترکستان در دیوان کاشغری، با اسطوره اسلام آوردن ساتوک بغراخان همراه است. گذشته از برخی حوادث تاریخی پیش از اسلام و بعد از اسلام در شرق جهان اسلام، که بیشتر آنها با قبایل و طوایف ترک از جمله اویغوران (حک ۶۴۷-۶۸۹ و ۷۴۴-۸۴۵ ق)

۱. همانجا.

۲. کاشغری (عامره)، ۵/۱.

۳. همو، ترجمه (محمدزاده صدیق)، صص ۴۸، ۴۹.

۴. همو، (ترجمه محمدزاده صدیق)، ۵۳، ۵۴؛ (ترجمه دبیرسیاقی)، ۲۱.

۵. به عنوان نمونه «بیر گول ایله باهار اولماز»، به صورت «با یک گل بهار نمی‌شود» و نیز «أما کلسا قُت گلیر» امروزه به صورت «قوناغین روزوسون ئوزوندن قاباق گلر» و در زبان فارسی به شکل «مهمان روزی خودش را می‌آورد».

در ارتباط است، می‌توان گفت که اشارات کاشغری به وقایع تاریخی در دوره حکومت ایلک-خانین و حکومت‌های معاصر آنان، در مقایسه با حکومت گران دیگر، بسیار چشمگیر است چنانکه کاشغری علاوه بر اشاره به وجه تسمیه قراخانیان و اینکه خاقان و خان هر دو به معنی پادشاه بزرگ از فرزندان افراسیاب بوده است، به بخش‌هایی از تاریخ دولت قراخانیان، که کاشغری منتسب به آنان بوده و خود مستقیماً زمانی در حکومت آنان سهم داشته است، اشاره دارد. وی با پرداختن به وجه تسمیه بغراخان، قدرخان، قلج‌خان، کول بلکا خان و تفتاج خان، آنها را از القاب خاقانان ترک و نیز از ملوک خاقانیه عنوان می‌کند.^۱

کاشغری در بحث از «أیغر» از بازپس‌گیری دیار ترک از دست سامانیان سخن به میان آورده و می‌نویسد: «پدرمان آنکه دیار ترک را از فرزندان سامانیان می‌گرفت، امیر بحرکین (=بغراتکین، خمیرتکین، امیرتکین) نامیده می‌شد، پس قلب کردند الف را به خاء...» نیز وی در شرح واژه «بشلف یل بُکا» از غلبهٔ ارسلان تکین غازی بر کافران می‌نویسد: «... روزی که ارسلان تکین غازی بر ایشان زد با چهل هزار از مسلمانان، و کفار با بُکابدراج هفتاد هزار بودند». این ارسلان خان، احتمالاً شرف الدوله ارسلان خان دوم پسر یوسف قدرخان ملقب به ملک مشرق باشد که بعد از بغراتکین و پس از رسیدن به فرمانروایی کاشغر و ختن به جای پدرش، یوسف قدرخان، ملقب به ارسلان خان، در حدود سال ۴۳۳ ق کشته شد. این حادثه در برخی از اشعار دیوان هم منعکس شده است.^۲

کاشغری در توضیح واژه «فسراق» به ازدواج سلطان مسعود، از خاقانیان اشاره می‌کند. وی در شرح این واژه، آن را به معنی «مادیان جوان و نزد غزان هر نوع مادیان» عنوان کرده و پس از ذکر یک مَثَل به مفهوم «با دوشیزه کشتی مگیر چه بسا او نیرومندتر باشد و ترا بر زمین زند و در شرط‌بندی با مادیان جوان مسابقه مده، چه بسا قوی‌تر از اسب باشد و برجهنده‌تر، و بر تو چیره‌تر شود» می‌نویسد: «از میان خاقانیان، سلطان مسعود را در شب زفاف دختری با پا زد و بر زمین افتاد و از این رو این سخن را خاقانیان، دربارهٔ سلطان مسعود گفته‌اند»^۳ و این موضوع در تاریخ بیبهقی بدین صورت نقل شده است که: «قریب چهارسال بود تا رسولان ما خواجه ابوالقاسم حصیری ندیم و قاضی بوطاهر تبانی بترکستان رفته بودند از بلخ بستن عهد را با قدرخان و دختری از آن وی را خواستن بنام سلطان مسعود و دختری از آن بغراتگین بنام

۱. کاشغری (عامره)، ۳۰۰/۱، ۳۰۴، ۳۵۲، ۳۵۸، ۳۶۹، ۴۲۹، ۱۶۷/۳، ۳۷۸.

۲. همو (عامره)، ۳۶۸/۱، ۳۶۹؛ بیبهقی؛ ۲۹.

۳. کاشغری (عامره)، ۳۹۴/۱.

خداوندزاده امیر مودود، و عهد بسته بودند و عقدها بکرده... رسولان ما را بر مراد باز گردانیدند و ارسلان خان با ایشان رسولان فرستاد و مهدها بیاوردند، از قضاء آمده دختری که به نام خداوندزاده امیر مودود بود فرمان یافت. شاه خاتون را دختر قدرخان که نامزد بود به سلطان مسعود بیاوردند...^۱.

کاشغری در ماده «تکین» هم به وجه تسمیه گُمشتکین، آلب تکین، قتلغ تکین، جغری تکین پرداخته و «قُمُق» را یکی از امیران قراخانی معاصر خود و «تَبَر» را نیز یکی از پسران «انال اوژ» خاقان قبیچاق و «سلجک» را جد خانان سلجوق و معاصر با خود عنوان می‌کند.^۲

تاریخ اساطیری

در زمینه اساطیر و باورهای دینی و عامیانه، می‌توان گفت که بیشترین مطالب به «ذوالقرنین» و «افراسیاب» اختصاص یافته است؛ چنانکه وی در بحث از «ایغر» آنرا نام یک ولایت و دارای پنج شهر می‌داند که همه منتسب به ذوالقرنین بوده است. او در این بررسی، چهار شهر دیگر را «قوجو»، «چنبلق»، «بش بلق» و «ینکی بلق» عنوان می‌کند. نیز در شرح «ترکان» و وجه تسمیه آن، کاشغری به داستان مفصل جنگ «ذوالقرنین» با «شو»، فرمانروای ترک سرزمین ترکان و عاقبت صلح بین ذوالقرنین و شو می‌پردازد. همچنین وی در بحث «تتماج» آن را آذوقه ذوالقرنین و در توضیح واژه «جکل» به عنوان طایفه‌ای از ترکان و وجه تسمیه آن را برگرفته از جمله ذوالقرنین یعنی «این چه گل است؟» دانسته و در شرح «اکا» به مفهوم لقب فرد خردمند و سالخورده و کارآموده، آن را به پیروزی سپاه ترک بر سپاه ذوالقرنین مرتبط می‌داند.^۳

محمود کاشغری در بحث از واژه «جروق» آنان را گروهی از ترکان می‌داند که در «برجُق»، شهر افراسیاب، سکونت داشته‌اند و «بتزن» بیژن پسر بُخت نصر (=گیو)، در آن زندانی شده بود. او در توضیح واژه «قاز» نیز آن را دختر افراسیاب و بنیانگذار شهر قزوین و قم عنوان می‌کند و همسر قاز را سیاوش و قاتون را نامی برای دختران افراسیاب می‌نامد. کاشغری همچنین در بحث از «أردوکند» آنرا نام دیگر کاشغر و اقامتگاه افراسیاب و نیز «برسغان» را نام پسری از افراسیاب، «تَرَم» را از عناوین افراسیاب، «تَنکا آلب آر» به معنی مرد شجاع و دارای نیرویی

۱. بیهقی، ۵۴۷.

۲. کاشغری (عامره)، ۲۲۰/۱، ۳۲۱، ۳۴۶، ۳۴۷.

۳. کاشغری؛ همان (عامره) ۸۴/۱، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۶۸، ۳۰۴؛ ۳۰۷/۳.

همانند نیروی ببر و لقب افراسیاب، قاز سفی را نام رودی بزرگ که دختر افراسیاب در کنار آن قلعه‌ای بنا نهاد، و بارمان را شهری می‌داند که پسر افراسیاب آن را بنیانگذاری کرده است. به همین سبب است که ایلک خانیان یا قراخانیان گاهی به آل افراسیاب نیز شهرت یافته‌اند.^۱

باورهای مردمی و خوارق عادات از جمله موضوعات مطرح شده‌ی دیگر در دیوان کاشغری است که از جمله آنها به باران خواهی یا استمطار، درآمدن غده‌ای گوشتی از گردن مردم فرغانه به سبب نفرین خلیفه دوم، جنگ شبانه پریان با جنیان، به تلاطم درآمدن دریا در اثر وارد کردن گیاه قلماق به داخل کشتی، جمع شدن آب باران در شاخ جانور عظیم الجثه دارای یک شاخ و خوردن آن آب از سوی نر و ماده، نگارش زاهدی با دست بر سنگ سیاه و پدیدار شدن نوشته سفید و بالعکس و ... می‌توان اشاره کرد.^۲

تاریخ اجتماعی و فرهنگی

دیوان کاشغری را می‌توان قدیمی‌ترین مرجع و تنها اثری دانست که اطلاعات بسیار خوبی پیرامون گاهشماری دوازده حیوانی ترکان بدست می‌دهد. کاشغری در جاهای مختلف در این اثر از اسامی سالها در گاهشماری دوازده حیوانی و نیز در برخی موارد از وجه تسمیه آنها سخن به میان می‌آورد. و به سبب کاربرد این گاهشماری در برخی از منابع تاریخی در دوره‌های مختلف، در مجموعه حاضر به بررسی این گاهشماری پرداخته شده است. و می‌توان گفت که نام دوره‌های سال‌ها بر اساس اسامی برج‌های ستاره‌ای در زبان ترکی سیچان (موش)، اوکوز (گاو)، ببر، دوشان (خرگوش)، تمساح، ایلان، آت (اسب)، قویون (گوسفند)، میمون، تویوغ (مرغ)، ایت (سگ)، دونوز (خوک) را هم برای اولین بار محمود کاشغری داده است.^۳

درباره اقوام، زبان‌ها و گویش‌های مختلف می‌توان گفت که در دیوان محمود کاشغری، تعامل بین زبان فارسی و زبان ترکی محسوس است، چندان که برخی از واژه‌های مذکور ترکی در آن، اکنون نیز در زبان فارسی کاربرد دارد و از میان آنها اردک، ارمغان، آغل، اردو، ایل (تبار)، یقه، ییلاق، قشلاق، بیرام، آش، دز، یال (موی گردن اسب)، و ... را می‌توان ذکر کرد. نیز کاشغری با عنوان نمودن تت (تات) به معنی فارسی (زبان)، در مثل ترکی «تتسیز تورک بلماس- بَشسِیز بُرک بلماس» ترک بدون تات را همچون کلاه بدون سر، ناممکن می‌داند که

۱. همان، ۲۸۸/۱، ۳۰۸، ۳۱۸، ۳۳۱، ۳۴۳، ۳۸۸، ۱۱۰/۳، ۱۱۱، ۲۷۲.

۲. کاشغری (عامره) ۲۹۱/۳، ۳۰۴ و ۳۳۱/۱؛ (ترجمه محمدزاده صدیق)، ۵۸؛ (ترجمه دبیرسیاقی)، ۳۲، ۳۳.

3. ACE, 6/395.

این خود نشانگر تعامل و نیاز این دو زبان به یکدیگر است.^۱

در دیوان کاشغری بیش از صد و ده اسم خاص به چشم می‌خورد. که جز تعداد انگشت شماری اسم فارسی و ۲۰٪ عربی بقیه را نامهای ترکی اصیل تشکیل می‌دهد. از میان اسامی ترکی اصیل چاغری (شاهین)، طغرل (پرندۀ چابک)، یغان (فیل)، تونقا (ببر)، ارسلان (شیر) و...، قوموق (مأخوذ از نام تیره ترک به همین نام)، کول بیگلۀ خان (ژرف اندیش همچون دریا)، قارشوت (آشتی) و ... را می‌توان ذکر کرد.^۲

محمود کاشغری اولین کسی است که نوع بندی گویش‌های ترکی را مکتوب ساخته است. وی ترکان را به بیست تیره تقسیم و در میان گویش‌ها و شیوه‌های ترکی، عنوان‌های قپچاقی، اوغوزی، یماک، باشقوردی، باسمیلی، قایی، یباکویی، تاتاری، قیرقیزی، چگلی، تخسای، یغمایی، اوغراقی، چاروقی، چمولی، اویغوری، تانقوتی، ختایی، خلچی، خاقانی، و جز اینها را می‌آورد. کاشغری همچنین از شیوه‌های سغدی، کنجاک، آرغویی، جابرقا، چین و ماچین، یاجوج و ماجوج و شیوه اهالی ختن و تبت، چمولی، پچنک، بولغاران، سوواران، بارسغان، و طراز نامی می‌برد. او در ارزیابی خود از این گویش‌ها، ترکی اوغوزی را ساده‌ترین گویش ترکی، شیوه‌های تخسی و یغمایی را صحیح‌ترین شیوه‌ها، شیوه‌های مردم ایلا، ارتش، یامار و ایتیل را نیز ترکی صحیح و بهنجار و زیباترین و رساترین شیوه را «خاقانیه» می‌داند، که بدان «لهجه کبار» عنوان داده است. گویند اصطلاح «ترکی خاقانیه» از ابداعات محمود کاشغری است.^۳

می‌توان گفت دیوان لغات‌الترک فرهنگنامه‌ای جامع در گویش‌های ترکی و مشتمل بر شواهد، امثال و اشعار همراه با شرح و توضیحات لازم عربی است. امثله و شواهدی که در دیوان، در توضیح معانی لغات، اسماء و افعال و غیره آمده، از گنجینه‌های ادبیات شفاهی ترکی خاقانی به اویغوری و شامل سوگ‌نامه‌ها، حماسه‌ها، بهاریه‌ها و سخنان حکمت‌آمیز و پندهاست. نمونه‌های داده شده از اشعار، در واقع مرحله نوشتاری آغازین ترکی میانه دوره اسلامی (گذر از ترکی باستان به ترکی میانه) در قرون چهارم و پنجم ق را شامل می‌شود. و همه این اشعار در اوزان هجائی سروده شده است. دیوان قطعاتی از اشعار ترکی قبل از اسلام و صدر اسلام را خصوصاً به صورت غزل، حماسه و اشعار اخلاقی شامل می‌شود. شمار اشعار در این اثر در حدود

۱. کاشغری (ترجمه محمدزاده صدیق)، ۵۴، ۵۵: (عامره)، ۲/۲۴۴، دبیرسیاقی بعضی از این اسامی را نام‌های فارسی می‌داند که در زبان ترکی به کار می‌رود. نک: (ترجمه دبیرسیاقی)، ۳۵.

۲. کاشغری (ترجمه دبیرسیاقی)، ۵۵.

۳. کاشغری (ترجمه محمدزاده صدیق)، ۴۱، ۴۲، ۴۴.

۲۲۰ قطعه است.^۱ دبیرسیاقی اشعار دیوان را ۲۳۰ قطعه و دارای وزن و قافیه و چهار قسمتی عنوان می‌کند.^۲

جرج سارتن درباره اهمیت *دیوان لغات کاشغری* در این زمینه می‌نویسد: «برای بررسی واژگان ترکی خاوری مآخذ قدیم‌تری هم در دست است یعنی *دیوان لغات ترک* محمود کاشغری که واژه‌نامه ترکی-عربی است و در سال ۴۶۶ ق (= ۱۰۷۳-۱۰۷۴ م) در کاشغر، واقع در ترکستان چین، تألیف شده است. این کتاب شامل اطلاعات دستوری راجع به مقایسه لهجه‌های مختلف ترکی است. می‌توان دریافت که محمود، تدلیف یک کتاب نحو ترکی را در نظر داشته، ولی آن فکر تحقق نیافته و یا کتابش به دست ما نرسیده است».^۳ بر همین اساس، می‌توان گفت که نخستین کتابی که درباره زبان ترکی در اسلام نوشته شده، کتاب *دیوان لغات التترک* محمود کاشغری است. و نیز شرح برخی واژه‌ها و موضوعات مربوط به زبان ترکی و ترکان برای اولین بار در *دیوان محمود کاشغری* آمده است.^۴

کاشغری در *دیوان* نه تنها به ذکر اسامی برخی غذاهای مخصوص مثل *تتماج* (آش رشته)، *یوفکا* (نان پهن) و ...؛ بلکه به بیان و توصیف شماری از ظروف غذا نیز می‌پردازد. همچنین در مقاله‌ای با عنوان «داروهای شفا بخش در *دیوان لغات التترک*» آمده است: «در بخش اول [دیوان] اطلاعاتی در مورد پزشکان و داروسازانی که مسئول تهیه و آماده‌سازی دارو بوده‌اند، ذکر شده است. و داروهای شفا بخش قرن یازدهم م به صورت الفبایی در بخش دوم [دیوان] فهرست بندی شده است. و این فهرست شامل ۱۹۰ داروی شفابخش است که هر کدام با داروهای مشابه خود در بالای صفحه و متن اصلی *دیوان* نشان داده شده است».^۵

جغرافیای تاریخی سرزمین‌های شرقی

دیوان لغات التترک، برای مطالعه جغرافیای بلاد ترک در آسیای میانه و مواضع سکونت قبایل ترک، دارای اهمیت فراوان است و بیشترین اطلاعات خاورشناسان پیرامون لهجه‌های ترکی، از

۱. همانجا؛ ۱۴۲.

۲. کاشغری (ترجمه دبیرسیاقی) ۲۵؛ نیز نک: (عامره) ۴۴/۱، ۹۴، ۱۴، ۳۱/۳.

۳. سارتن ۳۱۰۸.

۴. قفس اوغلو؛ «نام ترکمن، مفهوم و ماهیت آن»، ترجمه بی‌بی مریم شرعی، (www.Turkmen students. Com. 01/03/2005)

5. Nevruz and 12 animal calendar used by the turks; (www. Ozrukler. Com).

همین اثر اخذ شده است. کاشغری که قبایل، چادرنشینان و نیز بیابان‌های محل سکونت ترکان را یکایک گشته و اطلاعات گردآوری شده درباره فرهنگ و زبان ترکی را با دقت مطالعه و بررسی کرده است، قبایل و طوایف ترک، ترکان اوغوز، چگل، یغما و قیرقیز را بطور مقایسه‌ای و تطبیقی، مورد پژوهش قرار داده است. سبب او پس از تحقیقات فراوان، که با حمایت دولت قراخانیان صورت می‌گرفت، آسان‌ترین زبان و لهجه از لهجه‌های ترکی را لهجه اوغوزها لهجه بسیار صحیح و کاربردی را شیوه یغما و تخسی، و ترکی کاشغر را لهجه بسیار ادبی عنوان کرده است.^۱

کاشغری در قالب بیش از ۱۵۰ واژه پیرامون رودها و دریاچه‌ها، روستاها، شهرها و حدود و ثغور آنها، دژها و گذرگاهها و وجه تسمیه و موقعیت جغرافیایی آنها و نیز زبان و لهجه‌های مردم و برخی حوادث پیش آمده در آنها سخن می‌گوید، چنانکه در توضیح «برسغان» (برسخان)^۲ می‌نویسد: «نام شهری است بنا کرده برسغان، پسر افراسیاب و از آنجاست پدر محمود (مؤلف کتاب) و گفته‌اند که نام سانس و رام کننده اسب پادشاهی از ایغر بوده که اسبان را در این جایگاه به سبب پاکیزگی هوایش رام و تربیت می‌کرده، پس شهر بدو منسوب شده است»^۳. از این رو دیوان توجه صاحب نظرانی را که در زمینه جغرافیا، بویژه جغرافیای تاریخی به تحقیق پرداخته‌اند به خود جلب کرده است، چنانکه مینورسکی در تعلیقات خود بر *حدودالعالم*، در جاهای مختلف، به کتاب *دیوان* و نقشه کاشغری ارجاع داده است.^۴ کراچکوفسکی نیز درباره جایگاه *دیوان* در این زمینه می‌نویسد: «در عصر سلجوقیان، کتابی به زبان عربی به وجود آمد که از لحاظ جغرافیا بسیار مهم است ... وی (کاشغری) تنها کسی است که به عربی درباره آسیای میانه و بر اساس اطلاعات شخصی، و نه به اعتماد بر منابع مکتوب، چیز نوشته است ... وی در دشتهای آسیانه میانه بسیار سفر کرده و در ولایت ترکان گشته و تقریباً همه لهجه‌های ترکی آسیای میانه را یاد گرفته است. کتاب وی ... مطالب فراوانی از ادب عامیانه ترکی و اطلاعات کافی از محل سکونت قبایل ترک، همراه با توضیحات بسیاری از جغرافیای تاریخی شهرهای اقامتگاهشان به دست می‌دهد و مطالبی که نقل می‌کند درخور اعتماد است. آثار قدیمی که به تازگی در آسیای میانه کشف شده در بسیاری از موارد مؤید آن

۱. کاشغری (عامره)، ۳۰/۱.

۲. کراچکوفسکی، ۲۱۲.

۳. کاشغری؛ (عامره) ۳۱۸/۳.

۴. *حدودالعالم من المشرق الی المغرب*؛ ۳۹، ۱۴۹، ۱۸۸.

بوده است»^۱.

یکی از اقدامات منحصر به فرد محمود کاشغری در زمینه جغرافیای انسانی و تاریخی در *دیوان لغات الترک*، نقشه‌ای منحصر به فرد است که در این اثر آورده است. این نقشه که نشانگر تصاویر سرزمین‌های محل زندگی ملل ترک زبان معاصر با کاشغری است، نخستین نقشه در این زمینه است.^۲

این نقشه که مربوط به بیست و چهار طایفه از ترکان اوغوز است، با نقشه‌های اسلامی دیگر تفاوت دارد. گرچه ویژگی‌های جداگانه، نمادها و سایر علائم نقشه، با نقشه‌های دیگر مشابهت زیادی دارد، لکن موقعیت‌های جغرافیایی و اندازه‌ها در این نقشه، با دیگر نقشه‌ها متفاوت است. این نقشه نقشه‌ای رنگی از جهان به مرکزیت ترکستان و سرزمین‌های ترک زبان آسیای مرکزی، یعنی منطقه مرزی میان قرقیزستان و ایالت خنجان در چین است. نقطه زردی که در مرکز نقشه دارد، بیانگر موقعیت جغرافیایی بالاساغون/ بلاساغون است، در حالی که نقطه سمت راست، کاشغر را نشان می‌دهد که روستایی در چین بوده و کاشغری نام خود را از آن گرفته است. در نقشه اصلی کوه‌ها با رنگ قرمز، رودها با رنگ خاکستری، دریاها با رنگ سبز، صحراها با رنگ زرد روشن و شهرها و شهرستان‌ها با رنگ زرد، مشخص شده است. نکته بسیار مهم که در مقایسه با دیگر نقشه‌های موجود در کتابهای جغرافیایی مسلمانان باید گفت، ضبط جهات چهارگانه جغرافیایی در آن است: شرق در بالای نقشه، جنوب در سمت راست، غرب در پایین و شمال در سمت چپ آن نشان داده شده است. این نقشه در «کتابخانه ملی ملت» نگهداری می‌شود.^۳

همچنین کاشغری اسامی کشورها، شهرها، روستاها، دریاها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها را در نقشه مشخص کرده و در متن کتاب از آنها سخن گفته است. در این نقشه که شامل مناطق شرق کره زمین است، در تعیین حدود و ثغور شهرها، اشتباهاتی رخ داده است و با دور شدن از «ایسک کول» مقیاس نقشه کوچک‌تر می‌شود. در این نقشه مناطق و نقاطی بدون ذکر نام وجود دارد که نشانگر عدم ترسیم کامل نقشه است. قطر دایره این نقشه، ۲۴ سانتی‌متر است. از دیگر ویژگی‌های نقشه کاشغری که آنرا از نقشه‌های دیگر متمایز می‌سازد، غنای

۱. کراچکوفسکی-۲۱۲-۲۱۳.

۲. پیوست شماره ۲، ACE,6/395.

۳. Kasgarli mahmut; (انگلیسی)، (www. Ozturkler.Com 01/03/2005); mahmud AL-kashgari, http: sio. Midco.net/2004/12/11; HAYAT ANSIKLOPEDISI;1896 ص .

اطلاعات، مفاهیم و توصیف‌های آن است. او به جای شهر مکه، که در نقشه‌های دیگر دوره اسلامی، در مرکز دنیا قرار گرفته است، آسیای مرکزی، یعنی نقطهٔ مابین «اسکی کول» و «بلاساغون» را مرکز قرار داده است. در این نقشه، رودخانه‌ها از مناطق کوهستانی سرچشمه گرفته و به دریاها و دریاچه‌ها ختم می‌شوند و شهرها، در ساحل رودخانه‌ها و یا در میان آنها ترسیم شده است، گرچه در نشان دادن سرحدات کوه‌ها، رودخانه‌ها و کشورها اشتباهاتی وجود دارد.^۱

در گزارش نهائی کنفرانس زوریخ در سال ۲۰۰۴ میلادی، اندرس کاپلونی، با تأکید بر تفاوت‌های بنیادی بین نقشه‌های دقیق و نقشه‌های گویا، نقشهٔ محمود کاشغری در دیوان را از نقشه‌های عربی-اسلامی شمرده است. و گویند نخستین کسی که ژاپن را در قرن ۵ ق/۱۱ م در نقشه نشان داده، محمود کاشغری است.^۲

کراچکوفسکی دربارهٔ نقشهٔ کاشغری می‌نویسد: «نقشهٔ مدوری که همراه نسخهٔ خطی دیوان است و دو تن از دانشوران یعنی میلروهرمان، به مطالعهٔ آن پرداخته‌اند، اهمیت فوق‌العاده دارد، با وجود این نمی‌توان گفت که همهٔ مسائل مربوط به آن، به طور نهایی حل شده است، بخصوص که تحقیق دربارهٔ آن جدا از متن محمود کاشغری انجام گرفته است. گفتهٔ هرمان که یکی از نام‌های موجود بر نقشه، منطبق بر ژاپن است، با تردید بسیار قرین است و پندار او که نقشه را اثری بدیع و کاملاً اصیل به حساب آورده، اساس ندارد. هنوز نمی‌توان گفت که معاصر متن بوده و مؤلف شخصاً آن را کشیده است، احتمالاً اصل آن به نقشهٔ مدور اطلس اسلام، در مدرسهٔ جغرافیایی کلاسیک مربوط می‌شود، ولی ترسیم کننده، با نادیده گرفتن منبع خود به جای مکه، شهر کاشغر و منطقه هفت رود (بدی سو) و شهر بلاساغون را مرکز نقشه قرار داده است. بی‌گفت و گو نقشه را برای نشان دادن این منطقه و مناطق مجاور آن کشیده‌اند و اقلیم‌های دیگر از نظر شخص ترسیم کننده نقشه اهمیت نداشته و شاید بعدها به هستهٔ اساسی نقشه، اضافه شده باشد؛ به هر حال نمایش بر روی نقشه، چنانکه باید دقیق نیست. شاید اندیشهٔ اصلی این بوده که نقشه‌ای منطقه‌ای، مانند نقشهٔ مدور جهان فراهم کنند؛ ولی بعدها مؤلف چنان مناسب دیده است که جاهای خالی را با نام‌هایی که می‌دانسته پر کند و بدین سان نقشهٔ کامل جهان شده است. توضیح مطالب مختلف مربوط به این اثر منحصر به فرد نقشه‌کشی

1. (International conference.../), (<http://koshgari.Free.Net.uz>).

2. (Conference final report), (www.Cogit.foundation.ch/); (kasgarli mahmut) (ترکی) (www.Hurgokba.yruk.Com/27/02/2005), (عثمانی).

عربی، که از لحاظ جغرافیایی تاریخی آسیای مرکزی و مناطق مجاور آن اهمیت خاص دارد، از همت «اومیناکوف» بوده است.^۱

مصطلحات دیوانی

لقاب، اصطلاحات و عناوین سیاسی، اجتماعی، و تشکیلات اسلامی، بخش مهمی از دیوان کاشغری را به خود اختصاص داده است. این اثر در زمینه وجه تسمیه و جایگاه سیاسی، اجتماعی و اداری آنها در دوره حیات کاشغری، مرجع بسیار مهمی می‌تواند باشد. این القاب و مصطلحات که شمار آنها به بیش از صدویست عنوان و لقب می‌رسد، بیشتر در زمینه سیاسی، نظامی، اجتماعی و اداری و مالی کاربرد داشته، از آن جمله اینهاست: آها آتلغ (بزرگ قوم)، انال (جوانی که مادرش خاتون و پدرش از عامه مردم باشد)، تُغَرل / طغرل (پرنده گوشتخوار و شکاری)، جُبَن (کارگزار)، جُفی (لقب شخص پس از خاقان)، شَعْن (لقب بزرگان قَرْلُق)، یَغفو (شخص دو درجه پایین‌تر از خاقان) وام (اسب شب)، جُفَش (ناظم سپاه در جنگ‌ها)، سَکمان / سقمان (لقب دلاوران صف شکن لشکر)، المِعا (دبیر سلطان)، بَتِک (نامه و کتاب)، آیتکی (طومار خواربار لشکریان)، تیانکو (پرده دار و حاجب)، بَتَمَان (مَن)، تَنَلَقْ (هدیه ایغریان به پادشاه)، جیغ (ارش و زراع ترکی)، آجِغ (صله خان)، قُل (برده)، لُنک (کنیز)، خُمَارو (یادگار مالی)، یَلافر (فرستاده شاه).

نتیجه

گذشته از استواری اطلاعات کاشغری به ویژه درباره ترکان و آسیای میانه، مشاهدات عینی و اطلاعات شخصی، وجود برخی اطلاعات کم‌نظیر و گاهی اوقات بی‌نظیر در دیوان از قبیل قدیم‌ترین و دقیق‌ترین اطلاعات پیرامون اقوام ترک و گویش‌های ترکی و جغرافیای تاریخی بلاد ترک، منطقه جغرافیایی «آرغو» و ساکنان مسلمان آن و مردم مستقل و غیر ترک «کنجک»، اسامی مختلف تاشکند، یکی دانستن قهرمان تصنیف‌های ترکی «آلب ارتونگا» با افراسیاب اساطیری و روشن شدن اشتباه فردوسی درباره خط ترکی «بیغوی» به جای «بیغو» نقش بسیار مهم مطالب دیوان در تحلیل کتیبه‌های گوگ ترک‌ها، پرداختن به شهر و لاساکون (بلاساغون)، نفوذ زبان و لغات فارسی در کاشغر و نواحی اطراف آن، اختصاص نقشه منحصر به

۱. کراچکوفسکی؛ ۲۱۳.

فرد رنگی به مناطق ترک زبان آسیای میانه و ... باعث توجه بسیار پژوهشگران به این اثر گردیده است. همچنین وجود اطلاعات مهم و گاهی منحصر به فرد در زمینه تاریخ سیاسی، اجتماعی و تشکیلات اداری در دوره اسلامی، به ویژه دوره قراخانیان به عنوان نخستین دولت اسلامی ترک، که مؤلف خود در تشکیلات اداری آنان حضور داشته است و بالاخره آشکار شدن بعضی از نکات مبهم درباره قراخانیان، از قبیل چگونگی اسلام آوردن مؤسس دولت قراخانی و حکمرانان این خاندان و ضبط صحیح اسامی آنان و روابط قراخانیان با دیگر دولت‌های مسلمان و بالاخره وجود بیش از شصت ماده تاریخی در زمینه‌های مختلف و نیز نزدیک به یکصد اصطلاح دیوانی در این اثر کهن باز مانده از سده پنجم می‌تواند در مطالعات مربوط به حاکمیت دراز مدت قبایل مختلف ترک در دوره‌های اسلامی به کار آید و به بخشی از نیازهای موجود در این باره پاسخ دهد.

کتابشناسی

- آژند، یعقوب، ادبیات نوین ترکیه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین، تاریخ بیهقی، به کوشش علی اکبر فیاض، تهران، ۱۳۵۰ ش.
- حدودالعالم من المشرق الی المغرب (ت ۳۷۲ق)، تصحیح دکتر مریم احمدی و غلامرضا ورهرام، دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۲ ش.
- سارتن، جرج، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- قفس اوغلو، ابراهیم، نام ترکمن، مفهوم و ماهیت آن (۱)، ترجمه بی بی مریم شرعی، www.Turkmen tudents.com/07/03/2005.
- کاشغری، حسین بن محمود، دیوان لغات‌الترک، استانبول، مطبعة عامره، ۱۳۳۳ ق.
- _____ ترجمه، محمدزاده صدیق، حسین، تبریز، اختر، ۱۳۸۴ ش.
- _____ ترجمه، دبیر سیاقی، سیدمحمد، تهران، مؤسسه مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
- کراچکوفسکی، ایگناتی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ ش.
- مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش.

International report, [www. Cogit foundation.ch](http://www.Cogitfoundation.ch).
Mahmud AL-kashgari, [http: //sio.midco.net/11/12/2004](http://sio.midco.net/11/12/2004).
Neveruz and 12 animal calendar used by the Turks, [www. OZTurkler Com](http://www.OZTurkler.Com).
Qarahanid literatur and the beginning of turcot Islamic cuiyure, Robert dank
off. [www. Ku. Edu](http://www.Ku.Edu).13/12/2004.
The medical drugs at divan lugat-it turk, [www.ncbi. Nih.gov](http://www.ncbi.Nih.gov).

АзәрбајуаН Сабуи ЕНслорејаси (ACE), Бако, 1982.
HAYAT ANSIKLOPEDISI.
kaşgar li mahmut (ترک عثمانی) [www.hurgokba](http://www.hurgokba.yruk.com) yruk.com.